

به نام خدا

جلسه یازدهم

فهرست مطالب

مدیریت پول و ریسک
مدیریت سرمایه

مدیریت پول و ریسک

با توجه به یافته های بسیاری از معامله گران در سرتاسر دنیا در مواجهه با مشکلی به نام سوء مدیریت سرمایه اهمیت موضوع مدیریت پول و ریسک بیش از پیش مشخص می گردد. توصیه می شود در صورت آغاز مطالعه این مطالب تا انتها مطلب را پیگیری کنید و حوصله به خرج دهید. چرا که یکی از دلایل شکست تریدرها نیز در بازار بی حوصلگی است.

-مدیریت پول در فارکس (Money management in forex)
بطور کلی مدیریت پول تنها فاکتور نهایی تعیین کننده برنده و یا بازنده بودن یک معامله گر در پایان سال است. این مسئله ثابت شده، که چنانچه ۱۰۰ معامله گر در ابتدای سال وارد بازار فارکس شوند در پایان سال تنها ۱۰ معامله گر دارای بالانس مثبت خواهند بود. چنانچه از آمار پیداست نزدیک به ۹۰٪ از معامله گران فارکس در پایان سال ضرر خواهند کرد که این دقیقا به علت ضعف مدیریت سرمایه آنها است. مدیریت پول مهمترین بخش از یک سیستم و استراتژی معامله است و دقیقا اکثر معامله گران در سرتاسر دنیا این مطلب را یا نمی دانند و یا به آن عمل نمی کنند. برای شروع بایستی ابتدا مفهوم کلی مدیریت پول (Money management) را بدانید و سپس رابطه آن با تصمیمات اتخاذ شده تان در هنگام معامله را کشف کنید. بطور کلی مفهوم مدیریت پول آن است که شما تا چه حد از هر معامله سود برده اید و برای آن مقدار سود چه میزان از ریسک را پذیرا شده اید؟ تنها نقطه مشترک تمامی استراتژی های مدیریت پول در تلاش آنها در جهت حفاظت بالانس حساب شما از ریسک های آشکار موجود در بازار فارکس است. در زیر با برخی از مفاهیم مشترک سیستم های مدیریت پول آشنا می شوید:

سرمایه ریسک پذیر شما = میزان سرمایه اختصاص یافته به معاملات فعال - (margin) بالانس اولیه حساب

مثال: اگر بالانس ابتدایی شما ۱۰۰۰۰ دلار باشد و شما معامله ای با margin معادل ۱۰۰۰ دلار باز کنید، در نتیجه سرمایه ریسک پذیر شما ۹۰۰۰ دلار خواهد بود. حال اگر مجددا معامله ای دیگر با حجم ۱۰۰۰ دلار باز کنید، سرمایه ریسک پذیر شما ۸۰۰۰ دلار خواهد بود. مهم ترین عدد در فرمول بالا، میزان سرمایه ریسک پذیر شما است که تعیین کننده میزان ریسک واقعی شما نیز خواهد بود.

-در این نقطه به معرفی استراتژی مدیریت پولی می پردازیم که عملکرد آن در طی یکسال مثبت بوده است:

میزان ریسک مجاز اعمالی در این استراتژی حداکثر ۳٪ است. این میزان از ریسک در یک حساب ۱۰۰۰۰ دلار معادل ۳۰۰ دلار خواهد بود، بنابراین شما میزان حد ضرر خود را به گونه ای تنظیم کنید که هیچگاه بیشتر از ۳٪ یا ۳۰۰ دلار نگردد. ازینرو اگر شما معامله گری از نوع spot یا کوتاه مدت است و حد ضرر خود را ۳۰ پیپ قرار می دهید، هرگز نبایستی بیش از یک لات مینی معامله فعال داشته باشید. چراکه هر پیپ

فرمول (۱) : حجم مجاز مجموع معاملات فعال یا $AA = 0.0001 * \text{Balance}$ حجم مجازیه لات استاندارد)
مثال : اگر شخصی دارای سرمایه ای معادل ۱۵۰۰۰ دلار باشد , نهایت حجم مجاز معاملات فعال او عبارتست از:

حالت میزان حد ضرر (S/L) این معامله گر ناپایستی هیچ گاه بیشتر از ۳٪ کل سرمایه اش باشد یا عبارتی اگر حد ضرری معادل ۳۰ پپ را فرض کنیم، بنابراین: (عدد ۳ نمایانگر درصد ریسک شما میباشد

$$100 / 3 * 100 = 3333.33$$

$$3333.33 * 1.5 = 5000$$

$$5000 / 10 = 500$$

$$500 / 10 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$50 / 10 = 5$$

$$5 / 10 = 0.5$$

$$0.5 * 10 = 5$$

$$5 * 10 = 50$$

$$50 * 10 = 500$$

$$500 * 10 = 5000$$

$$5000 / 100 = 50$$

$$5$$

10 * S/L تقسیم بر 3 * 100 / Balance حجم محاز معاملات فعال با توجه به میزان حد ضرر

40 * 10 تقسیم بر ۳ * ۱۰۰ / ۱۵۰۰۰ < AA

$$\text{Lot } 1.125 = 400 / \text{AA} \Rightarrow 450$$

-استراتژی افزایش ریسک: به معنی افزایش دادن ریسک هنگامی که ضرر کرده اید! این استراتژی معمولاً توسط قمار بازان استفاده می شود به گونه ای که این افراد ادعا می کنند : هنگامی که ضرر می کنید بایستی به حجم معامله خود چنان بیفزایید که با برد بعدی علاوه بر جبران ضرر قبلی سود هم یکنند .

ترتیب افزایش حجم معاملات در این استراتژی بدین صورت است:

10 دلار شرط ببندید اگر باختید بعد از آن ۲۰ دلار شرط ببندید، اگر ۲۰ دلار باختید بعد از آن ۴۰ دلار شرط

ببندید، اگر آن را نیز بختید 80 دلار شرط ببندید و اگر آنرا نیز بختید ۱۶۰ دلار و.....

این استراتژی به گونه ای طراحی شده است که شما حتی اگر ۴ یا ۵ بار هم ضرر کنید در بار ششم برنده شوید، تمامی ضررهای دفعات قبل نیز جبران خواهد شد و ۱۰ دلار نیز خواهید برد!!

واقعیت آن است که این روشی است که دقیقاً بسیاری از معامله گران در فارکس از آن

لحظه به لحظه شانس خود را برای دیدن عدد صفر در بالانس حساب شان افزایش می دهند . مثال یک معامله گر با بالانس ۱۰,۰۰۰ دلار شروع می کند و بعد از ۵ معامله همراه با ضرر بیایی (که هر

یک ۱۰۰۰ دلار میباشد) بالانس حسابش را به 6000 دلار می رساند. معامله گر در این لحظه با خود فکر می کند که شانس او برای برنده شدن در پنجمین معامله اش بیشتر شده است بنابراین دست به معامله ای با ۴ برابر حجم نسبت به معامله قبلی می زند تا ضررهایش را پوشش دهد، حال اگر این معامله نیز با ضرر همراه گردد بالانس حساب او به ۲۰۰۰ دلار خواهد رسید که در این مرحله دیگر حتی قادر نمی باشد که بر اساس همین روش اقدام به بازکردن معامله کند تا لاقبل به سرمایه اولیه اش برگردد. نتیجه آنکه یک معامله گر دیسیپلین دار که بر اساس یک استراتژی مشخص و تست شده عمل میکند هیچ گاه از روش های قمار گونه ای چون مثال بالا تبعیت نخواهد کرد مگر آنکه مایل باشد کل سرمایه اش را در مدت کوتاهی از دست بدهد !!.

-استراتژی تنوع ریسک: بمعنی افزایش ریسک هنگام سود و کاهش ریسک در هنگام ضرر :
این استراتژی بطور خلاصه بمعنی افزایش و کاهش ریسک با توجه به سود یا ضرر احتمالی معاملات. بطور مثال : معامله گر A با سرمایه اولیه ۱۰,۰۰۰ دلار با معاملاتی در حجم یک لات استاندارد شروع به معامله می کند و پس از ۶ ماه به بالانس ۱۵۰۰۰ دلار می رسد، در این نقطه معامله گر می تواند تا ۱,۵ لات معامله کند .

در همین مدت معامله گر B نیز با سرمایه ای یکسان با همان میزان از حجم معامله (۱ لات) شروع به معامله می کند و پس از ۶ ماه به بالانس ۸۰۰۰ دلار می رسد، این معامله گر بر اساس این استراتژی حداکثر می تواند تا 0.8 لات استاندارد معامله کند .

-استراتژی با بازدهی بالا :

این استراتژی به معامله گرانی توصیه می شود که قصد بازدهی بیشتری را دارند و هنوز از سرمایه اولیه حساب شان کاسته نشده است. بر طبق قوانین مدیریت پول و ریسک، معامله گر بایستی نهایتاً با سرمایه ابتدائی ۱۰۰۰۰ دلار اقدام به بازکردن معاملاتی تا حجم ۱۰۰۰ دلار (یک لات استاندارد) کند . اما چنانچه معامله گر پس از مدت ۶ ماه به بالانس ۱۵۰۰۰ دلار رسیده باشد، طبیعتاً ۵۰۰۰ دلار سود اضافه بر اصل سرمایه اش را خواهد داشت. در این حالت معامله گر می تواند اصل سرمایه اش را از حساب خارج کرده و تنها به معامله بر روی سود حسابش بپردازد. اما این بار با ریسک حجم معاملاتی معادل دو برابر حالت استاندارد، یعنی یک لات استاندارد به جای ۰,۵ لات، در این حالت ریسک سرمایه اولیه شما صفر خواهد بود. البته اگر از استراتژی تست شده و موفقی در انجام معامله های خود بهره نمی برید این روش اصلاً به شما توصیه نمی شود .

حال با اندکی صبر و حوصله می توانید خود را با در نظر گرفتن موارد ذکر شده فوق بسنجید چنانچه تاکنون کاملاً خلاف آنچه صحیح می باشد عمل می کرده اید ناراحت نباشید دوباره خود را برای معاملاتی موفق تر بیازمایید. اما این بار با صبر و حوصله و به میزان زیادی دقت!!

مطالب ذکر شده فوق قسمت هایی از یک کتاب به زبان فارسی بود که برایتان نقل شد. بسیار مهم است چنانچه معامله گری قصد دارد بصورت مؤثر در انباشت درآمد عمل کند، بپذیرد که زیان ها بخشی لاینفک از زندگی يك معامله گر هستند. سود وجود دارد چرا که ریسك ها وجود دارند. ریسك به عنوان بخشی جدانشدنی از معامله است، برخی سرمایه خود را به نفع دیگران از دست می دهند. با ریسك، زیان ها واقع می شوند. معامله گری وجود ندارد که مرتباً تجربه زیان در این کسب و کار را نداشته باشد.

آنچه که معامله گر حرفه ای را از معامله گر مبتدی تفکیک می کند، درك و پذیرش ریسك و زیان هاست. حتی هنگامی که يك معامله گر درك می کند که زیان ها همیشه وجود خواهند داشت، هیچانانی که هر لحظه در درون معامله گر مبتدی بروز می کنند، اغلب موجب اختلال در اثربخشی و متعاقب آن موجب آشفتگی و عملکرد ضعیف می گردند.

برای معامله گر مبتدی که در حال رشد و تبدیل به يك معامله گر حرفه ای است، پذیرش اینکه زیان بخشی از معادله موفقیت است، مهم است. زیان های معامله باید دقیقاً به عنوان يك درس یا حتی بیمه، مورد قضاوت قرار گیرند. اکثر معامله گران، در طول زندگی خود، هزینه هایی را برای آموختن روش ها و اسلوب ها پرداخته اند. همه ما برای چیزهایی که در ذهن، دانش، هوش و تجربه ماست، هزینه صرف می نماییم. وجه نقد خرج می شود، هنوز بسیاری از ما آن را به عنوان بخشی ضروری و بسیار مهم برای حرکت در جهت بهبود زندگی قبول داریم.

بیمه هم همان گونه است. در سراسر جهان، مردم میلیاردها دلار صرف خرید بیمه در اشکال مختلف می کنند؛ مانند خانه، زندگی، اموال شخصی، ماشین ها و ... برای بسیاری از افراد، چنین است که سود حاصل از خریدهای بیمه ما را هیچوقت نبینند مگر دانش، دانسته هایی که در حافظه خود نگه داشته ایم.

این ها دو مثال زنده هستند از اینکه ما شادمانه پذیرای استهلاک دارایی های نقدی خود بدون دریافت لادرنگ دارایی های مادی ملموس می باشیم. با این دید نسبت به آینده، امروز به صرف بخشی از سرمایه خود با میل و رغبت می پردازیم.

زبان های معامله دقیقاً باید به همان طریق در نظر گرفته شوند. هیجانات منفی بخشی از نگرش معامله گر حرفه ای به زبان ها نیست، همان گونه که تهییج و سرور بخشی از نگرش معامله گر حرفه ای به پیروزی ها نیست. اجرا تشکیل دهنده، شکست ها همانند پیروزی ها، به صورت ساده، تمام بخش های عملی است که ما نامش را معامله می گذاریم.

بهرحال، معامله گر حرفه ای می داند که شکست بخش قابل قبولی از معامله است، آنها باید بطور صحیح اداره شوند. مجال دادن به زبان ها برای اینکه بر پیروزی هایی فایز آیند، قاعده وقوع فاجعه است. برای بسیاری از معامله گران مبتدی که هنوز زبان را به عنوان بخش مثبت يك معامله پذیرا می شوند، دلیل اصلی مدیریت ضعیف معامله است. با درک مناسب از اداره نمودن ریسک و زبان ها، معامله گران مبتدی می توانند خیلی زود در جهت وضعیت مطلوب که معامله گر حرفه ای شدن است، حرکت کنند اولین چیزی که يك معامله گر مبتدی لازم است در جهت آماده شدن برای پذیرش شادمانه شکست ها انجام دهد، این است که آنها را در حد كوچك حفظ کند. هنگامی که معامله گر با روشی انتخابی سطح آرامشی برای معامله یافت، آماده سازی بعدی مورد نیاز، تعیین فعالیتی است که با انجام آن معامله از حالت مورد نظر خارج نشود. این کار نباید پس از آنکه معامله انجام شد صورت پذیرد، همانگونه که تصمیم گیری ها نباید تحت تأثیر ترس، وحشت و طمع انجام شود.

- مدیریت سرمایه

بدون مدیریت سرمایه مناسب، معامله موفق غیر ممکن است. سودهای انباشته شده، می تواند به سرعت از طریق يك معامله زبان دهنده ساده به صفر برسند. اگر معامله گر مبتدی بیاموزد که از شکست های كوچك بهره مند شود، مدیریت پول باید به شدت متعصبانه تمرین شود.

چندین آموزشگاه برای آموزش بکارگیری مدیریت پول در معامله وجود دارد که شرح تمام آنها بیشتر از حوصله این مقاله است. بهر حال، با این فرض این که معامله گر روش مناسبی برای آغاز معامله دارد، يك رویکرد ساده ولی مؤثر اینجا قابل ارائه است:

برای تعیین حداکثر زبانی که باید روی هر معامله داشته باشید، کل حساب تان را بر ۱۰ تقسیم کنید. این میزان ریسک شماست. ایده آل است که شما واقعاً ریسک خود را تا جایی که ممکن است تا همان میزان در نظر بگیرید. به عبارت دیگر چنانچه حساب شما ۱۰,۰۰۰ دلار است، ریسک شما حداکثر ۱۰۰۰ دلار خواهد بود. این بر قراردادی ساده دلالت نمی نماید. اگر روش شما ۵۰۰ دلار ریسک را در قرارداد پیشنهاد می نماید، پس خواهید توانست دو معامله انجام دهید. بدون دانستن روش های معامله، ارائه جزئیات در باره میزان ریسک های هر معامله مقدور نیست. بکارگیری این قانون ساده که هیچ ریسکی نباید بالاتر از ۱۰٪ حساب شما در هر معامله باشد، فرصت های بسیاری جهت موفقیت در اختیار شما قرار می دهد.

توقف زبان (Stop Loss)

نگهداشتن زبان ها در حد پایین، جهت پذیرش اینکه آنها بخشی مطلوب از معامله هستند، به شدت از اهمیت بر خوردار است. يك فروشنده خوب می داند که "نه" های متوالی برای بدست آوردن "بله" ها لازم است. "بله" است که بر تمامی "نه" های قبلی سایه خواهد انداخت. فروشنده خوب می داند که پس از "نه" های متوالی "بله" خواهد آمد. این در حرفه فروشنده گی مسلم است. شبیه به این، معامله گران حرفه ای می دانند که تعدادی از شکست ها منتهی به پیروزی خواهند شد. تا زمانی که زبان ها، زبان های كوچك قابل کنترل هستند، معامله گر خواهد توانست سودهای بعدی را بدست آورد. با در نظر داشتن این مسأله، معامله گر باید از تحمل زبان های كوچك بهره مند شود چون آنها موجب آن سودهای مطلوب می شوند. هر زبان كوچكي باید به عنوان نزدیک تر شدن به نیل به هدف کسب سود در نظر گرفته شود.

برای اینکه زبان ها كوچك نگه داشته شوند، يك سفارش توقف فروش (Stop) همیشه باید هنگامی که سفارش پر می شود قرار داده شود. این توقف فروش (Stop) هرگز نباید حذف شود یا نباید برای افزایش سرمایه انتقال یابد. تنها وقتی يك توقف فروش (Stop) باید جابجا شود که معامله برای کسب سود بر مبنای يك طرح کاملاً دقیق دنبال می گردد.

بنابراین زبان های خود را با سفارش توقف زبان (Stop) در تمامی اوقات كوچك نگه دارید. امید است حالا که شما این بخش را خوانده اید، بتوانید ببینید زبان های كوچك قابل بهره برداری چگونه باید

باشند. هرگز نباید فکر نزدیک شدن به بردي بزرگ دليلي براي دلبردي و نااميدي شود. حتي يك فروشنده تازه كار بايد دوره اي تعديلات ذهني را پشت سر بگذارد و عدم پذيرش ها را بجاي منفي دانستن مثبت ببيند. اين همان كاري است كه معامله گر مبتدي نيز بايد انجام دهد.

با تقسيم سيستماتيک حساب تان به مبالغ ريسك و پاييند ماندن به آن فرمول كار را شروع كنيد. از سفارش توقف زيان (Stop) استفاده كنيد هرگز آنها را بخاطر افزايش ريسك تعديل يا حذف نكنيد. با كوچك نگه داشتن زيان ها و بخاطر سپردن اينكه هر زمان كه يك يا چند زيان را دريافت مي كنيد به يك معامله موفق نزديك تر مي شويد، ممكن است روزي نگرش صحيح معامله گر حرفه اي را گسترش دهد. از زيان هاي كوچك بهره مند شويد.

FXACM